**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه دهم\_12 آبان 1398**

بحث در مقدمه اول انسداد بود که فرموده اند باب علم و علمی مسدود است. نسبت به این مقدمه ما مباحثی را مطرح کردیم، در تقریرات حضرت آقای زنجانی در اصول و در کتا النکاح به مناسبتی مطالبی راجع به این مقدمه اول انسداد مطرح شده است. من ابتدا عین تعابیر این بزرگوار را عرض می کنم، بعد به بیان خودم مطالب ایشان را توضیح می دهم تا اخرش ببینیم قابل مناقشه هست یا نه.

اما بیان این بزرگوار؛ ایشان ابتداءً در تقریرات اصول اثبات می کنند که اخبار اطمینانی در اثر اشتباه در نقل بسیار کم است، و این مطلب را از شیخ انصاری نقل می کند که روایاتی که موجب حصول اطمینان شود نادر هستند. این ورود در بحث، بعد یک عبارت دارد، می فرمایند درست است که عقلاء در غیر صورت اطمینان قائل به حجت نیستند، و تنها در مواردی که اطمینان پیدا می کنند قولی را متبع میدانند اما روایات کثیری وجود دارد و این کثرت به حدی است که انسان می تواند ادعای تواتر کند و از ان ها استفاده می شود که بر خلاف نظر مرحوم شیخ معیار در حجیت خبر حصول اطمینان به صدور نیست و خبرهای عادل متبع است.

این قسمت که نوشتید مقدمه ای است برای طرح یک مساله و ان این است که ما می پذیریم که عقلا تا اطمینان پیدا نکنند از چیزی پیروی نمی کننداما از سوی دیگر روایاتی داریم که به حد تواتر هم ممکن است برسد به این همه خبر را قبول کنید ولو اطمینان به صدور پیدا کرده باشد می فرماید روایات کثیری که در مورد خبرین متعارضین است و از انها تخییر یا ترجیح فهمیده می شود در متعارضین برای انسان اطمینان به یک طرف حاصل نمیشود و فرقی نمی کند که ما ان طرف از باب ترجیح یا تخییر انتخاب کنیم. مثلاخبر زرراره با خبر خبر محمد بن مسلم اختلاف پیدا کرد و ما خبر زراره را ترجیح دادیم ایا برای ما اطمینان پیدا می شود که قول زارره درست است؟ اطمینانی وجود ندارد. از محموع روایات علاجیه استفاده می شود که در اصل حجیت اطمینان شرط نیست والا باید در فرض تعارض خبرین حکم به سقوط نه ترجیح و تخییر می شد.

این بیان ایشان در اصول در جلسه 61.

در جلسه 62 می فرماید عمده در مقدمات انسداد مقدمه اولی است و لذا باید بررسی شود که آیا ادله حجیت خبر واحد به مقدار وافی برای حل معظم احکام فقهی حجت در اختیار ما قرار میدهد یا نه؟

ادامه می دهد می گوید مشکلی که وجود دارد اقایان نوعا ظنون دلالی را در عمل کافی می دانند در جمع بین روایات متعارض با وجود این که نسبت به جمع بین دو دلیل قطع یا اطمینان ندارند. ولی مدعی هستند که عرف و بنا عقلا بین ان دو دلیل اینگونه جمع می کند به نظر ما بنا عقلا در باب دلالت نیز بر حجیت مطلق ظن نمی باشد، این گونه نیست که اخذ به مطلق ظن در سایر موارد ممنوع و لی در باب الفاظ لازم باشد، ... واقع آن است که در باب تعارض ادله جمع هایی که آقایان بین ادله می کنند، صرفا ظنی الذلالة است و اطمینان آور و مفید علم عرفی نیست.

بقیه اش را مطالعه کنید.

آنچه از ایشان در کتاب النکاح و موارد دیگر نقل شده است باز موید همین مطلب است که ایشان می خواهد بفرماید شارع در باب صدور اخبار اطمینان را شرط نکرده است بر خلاف مقتضای حجیت خبر از بنای عقلا که اطمینان در ان شرط است از ادله شرعیه حجیت خبر استفاده می شود که در شبهات حکمیه اطمینان به صدور خبر ملاک نیست و نفس عدالت و وثاقت موضوعیت دارد. پس اگر حجیت خبر واحد تنها به بنای عقلا باشد ، طبق این مبنا این مقدمه انسداد تمام خواهد بود زیرا اخباری که اطمینان به صدور ان ها باشد به اندازه کافی در دسترس ما نیست. در سوال و جوابی هم که از ایشان شده است در همان تقریرات بحث، سوال کننده می پرسد پس ما به مقدار کافی ادله غیر متعارضی که اطمینان اور باشد نداریم؟ ایشان می فرماید بله همین طور است به همین دلیل به حسب ظاهر باید انسداد کبیر را قبول کنیم.

این تمام فرمایش ایشان در این قسمت.

واقع مطلب این است که در فرمایشات این بزرگوار ابهامات است. درست مقصد و مقصود مشخص نیست. آیا می خواهد با این بیان مقدمه اول انسداد را مخدوش کند ایا می خواهد با این بیان مقدمه اول انسداد را بپذیرد. شاید منظور این باشد:

مهم ترین دلیل برای حجیت خبر واحد بناء عقلا است. و سایر ادله در حجیت خبر واحد باید در ضوء این سیره معنا بشود لذا چون اساس حجیت خبرو احد سیره عقلا است ما خبری را می پذیریم که اطمینان آور باشد و خبر اطمینان آور در مجموعه روایی ما نادر است. این می شود تثبیت انسداد. بله اگر نگاهمان را از سیره عقلا بپوشیم ودر حجیت خبر واحد خودمان را محدود به حصول اطمینان نکنیم بگوییم شارع خبر واحد را حجت کرده است اعم از اینکه اطمینان بیاید یا نیاد ان وقت به مجموعه روایی بهتر می توانیم مراجعه کنیم شاهد بر این که نظر شارع حصول اطمینان نیست اخبار تعارض است در اخبار تعارض شما چون متعارِض مشاهده می کنید و تعارض هم فرع بر حجیت است. یعنی هر روایت بما هی هی باید حجت باشد.حال که هر دو حجت است هر کدام این ها را بگیرم تخییرا یا هر کدام را را بگیریم احتیاطا اطمینان ندارم که اینی را که الان گرفتم درست است ولی شارع گفته است درست است. پس معلوم می شود در حجیت خبر واحد ادله شرعه حجیت خبرواحد باشد ادله شرعیه خبر واحد اعم است از حصول اطمینان

نمی دانم این بیان مراد قطعی ایشان باشد یا نه؟ شاید به بیان بنده مقصود این باشد که حضرات انسدادیون دو مشکل عمده را مطرح می کنند یکی مشکل تراث روایی است و دیگری مشکل تراث رجالی.

مشکلشان در تراث روایی این است که باید به روایات اطمینان پیدا کرد و ما چنین روایاتی نادر داریم. و لذا در جواب سوال ان اقا فرمود بله به مقدار کافی ادله غیر متعارضی که اطمینان اور باشد ندارم پس به حسب ظاهر باید انسداد را قبول کنیم ولی نفرمودند که در اخبار متعارض چه می کنید در ان جا که اطمینانی پیدا نمی شود.

عرضم به حضور شما راجع به مشکل سندی و تراث رجالی ایشان از اینجا شروع می کند که بنا عقلا این است که اگر قانونی را جعل کند، قانون باید قابل اجرا باشد اگر قانوین وضع شد که عملا قلابل اجرا نبود این حکیمانه نیست پس باید بیاییم قانون را طوری درستش کنیم که قابل اجرا باشد. قانون این است که شما خبر واحد عادل را بپذیرید و این قانون مخصوص افراد ان زمان که روات را می شناسختند نیست برای ما هم هست که برای ما تشخیص عدالت الان میسر نیست ولی در عین حال به ما گفته شده به خبر عادل عمل کن، معلوم می شود شارع یا معنای عدالت را وسیع کرده است یا راه تشخیص عدالت را یک مقدار توسعه داده است این توسعه برای این است که ان قانون قانون عقلائی بشود.

بنابراین می­توان با گذشت زمان نسبت به زمان روات بگوییم یا توسعه ایی در مفهوم عدالت شده است یا در طرق احراز حکم پس ظنون رجالی حجت هستند، وقتی انسان به کتب رجالی مراجعه می کند ظن پیدا می کند که فلان شخص عادل بوده است این انسداد صغیر است و به وسیله ان حجیت ظنون رجالی و کفایت ان در احراز عدالت راویان ثابت می شود این هم بیان ایشان در مورد تراث رجالی. اجازه بدهید فردا ان شاء الله یک جمع بندی انجام بدهیم بعد تجزیه و تحلیلش می کنیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.